

دنیای

الهی خوش‌ها

www.ketab.ir

اخلاص کمالی

کمالی ، اخلاص ، ۱۳۶۲ -

دنیای الکی خوش / مؤلف : اخلاص کمالی ، قم : بضعة الرسول ، ۱۳۹۱.

۱۱۲ ص.

ISBN: 978- 964- 7827- 37-9

۲۹۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه : ص. ۱۱۲ ، همچنین به صورت زیرنویس .

۱. لطیفه های فارسی - قرن ۱۴. مجموعه ها ۲. طنز فارسی - قرن ۱۴.

مجموعه ها ۳. لطیفه - مجموعه ها . الف. عنوان .

۸ ق ۸ / ۲۶۳

PIR ۴۳۲۷ / م ۳



نام کتاب : دنیای الکی خوش ها

مؤلف : اخلاص کمالی

ناشر: بضعة الرسول

چاپ : دژ

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۱

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۹-۳۷-۱۸۱۷-۹۶۴-۹۷۸

قیمت : ۹۰۰ تومان

مراکز پخش:

قم / خیابان سمیه / کوچه ۴۰ / پلاک ۱۶

تلفن: ۷۷۴۱۸۳۳ - ۹۱۲۱۵۳۷۶۹۱

کرج / بلوارامازاده حسن / مقابل مصلاي نماز جمعه / ابتدای خیابان کیانیور

جنب املاک گل یاس / تلفن: ۰۹۱۲۱۶۲۶۰۴۶ (نورداد)

ایلام ، خیابان آیت الله حیدری ، جنب پمپ بنزین بی طرف ، مطبوعاتی جام جم ،

همراه : ۰۹۱۸۳۴۱۵۷۷۱ - ۰۹۳۷۲۰-۹۳۵۹۰ آقای لطفی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	پیش‌گفتار.....
۲۳	نامه‌های آشنا.....
۲۳	توی اداره.....
۲۳	بی حرکت.....
۲۴	تخم مرغ نیم‌پز.....
۲۴	اتاق خواب ناوی.....
۲۴	سوت.....
۲۵	عاشق دعوت.....
۲۵	امان از جدایی.....
۲۶	گم‌گشته.....
۲۶	آخر بی حالی.....
۲۶	دروغ ۱۵۰ متری.....
۲۷	خروس تنبل.....
۲۷	بهترین روز.....
۲۷	داماد فراری.....
۲۸	الگانس بدلی.....
۲۸	حفظی.....
۲۸	ماچ اللّین.....

۲۸	فرار بزرگ.....
۲۹	نوار خالی.....
۲۹	ازدواج عاشقانه.....
۲۹	مقشد نهایی.....
۳۰	غافلگیری.....
۳۰	خبر ساداتی.....
۳۰	پنگور.....
۳۱	تعداد سوراخ.....
۳۱	مخصوصاً.....
۳۱	ریال.....
۳۲	سیه روز.....
۳۲	خرس و دزد.....
۳۲	بی مغزی.....
۳۳	دل‌داری.....
۳۳	مُجَرَّب.....
۳۴	آدم بی فکر.....
۳۴	نزول عذاب.....
۳۵	روماتیسم.....
۳۵	عیادت جنازه.....
۳۵	مادر بی سواد.....
۳۶	مقام.....

۳۶	نامه نارس.....
۳۷	بچه آره.....
۳۷	لوله کشی.....
۳۷	بیل.....
۳۸	معلم جغرافی.....
۳۸	دیوار نامرئی.....
۳۸	خیال باطل.....
۳۹	سفارش دکتر.....
۳۹	گدای گرسنه.....
۳۹	شیفت شب.....
۴۰	تشکر از دکتر.....
۴۰	دیوار رنگی.....
۴۰	پنجه گربه.....
۴۰	زن هزار پا.....
۴۱	رخت کن.....
۴۱	ابوالقا.....
۴۱	شعر منشور.....
۴۲	بی کار.....
۴۲	باستان شناس.....
۴۳	کوری بهاری.....
۴۳	چای کم رنگ.....

۴۳	بدبختی بزرگ
۴۴	وفات سعدی
۴۴	درس عبرت
۴۴	همجنس
۴۵	کنگر و لنگر
۴۶	طفلی
۴۶	ادعای خدایی
۴۶	موقع مناسب
۴۷	ضرب ناقابل
۴۷	کنتور دوبا
۴۷	فرق گاو و خر
۴۸	قید حیات
۴۸	خیال بی‌جا
۴۸	رضایت از زن
۴۹	نصف النهار
۴۹	فاعل
۴۹	واگیردار
۴۹	انفجار شکم
۵۰	نگهبان
۵۰	چاه عسل
۵۱	پدر شجاع

بی‌نظمی	۵۱
پدر خوشبخت	۵۱
پروفسور	۵۲
در فکر دیگران	۵۲
جگرسوز	۵۲
خورش خالی	۵۳
عادت پسندیده	۵۳
اسم‌های مختلف	۵۴
گرانی بنزین	۵۴
شاعر کم حرف	۵۴
لقب مناسب	۵۵
نصیحت	۵۵
نصف پیراهن	۵۵
آخرِ اوّل	۵۶
شنای مگس	۵۶
مسلسل	۵۷
لقمهٔ مگس	۵۷
رانندگی سرپایی	۵۷
توقع	۵۸
استادِ رابین هود	۵۸
سفر خیابان	۵۸

۵۸	خواننده بی‌شعور.....
۵۹	زمین خوردن.....
۵۹	اشکنه.....
۶۰	کار طاقت‌فرسا.....
۶۰	جهنم.....
۶۰	شوهر فراری.....
۶۱	غیبی.....
۶۱	ریش مشکلات.....
۶۱	کمر بند.....
۶۲	نامرد.....
۶۲	عقل الاغ.....
۶۳	سیل سبیل.....
۶۳	منجم بی‌خبر.....
۶۴	آدم قورمه.....
۶۴	وقت آدم‌شدن.....
۶۴	دود و دودک.....
۶۵	پدران.....
۶۵	به دنبال عقل.....
۶۵	سایبان.....
۶۶	شبیهِ.....
۶۶	توصیف نادیده.....

کارگرد.....	۶۶
جواب کچل.....	۶۷
ححرف.....	۶۷
دیوانه تر.....	۶۷
خواجه نظام العلماء.....	۶۸
کنار فرات.....	۶۸
ضورت جن.....	۶۹
تشخیص دقیق.....	۶۹
اقوام قاصر.....	۶۹
دستاورد.....	۷۰
زیر سایه شما.....	۷۰
ادعای الوهیت.....	۷۱
درنگ بی جا.....	۷۱
مبل درجه یک.....	۷۱
اجاره خانه.....	۷۲
جشن مُشت زنی.....	۷۲
ثبت اختراع.....	۷۲
ستون فقرات.....	۷۳
رئیس آفتابه ها.....	۷۳
قصاص بوسه.....	۷۴
اشک چشم.....	۷۴

۷۵	دانشمند و زنش
۷۵	محض احتیاط
۷۶	آویز
۷۶	پنج دقیقه نوری
۷۶	بهشت سکوت
۷۷	خوراک زبان
۷۷	چمن قورمه
۷۷	بچه هوا
۷۸	جواب دیپلمات
۷۸	چاقوکشی
۷۸	چای داغ
۷۹	آبگوشت
۷۹	من هم دارم
۷۹	قد کشیدن بابا
۸۰	نماز تجاری
۸۰	عمل مخلصانه
۸۰	آرزوی خسیس
۸۱	جایزه بزرگ
۸۱	کابوس
۸۱	زنبورهای مامانی
۸۲	جایگاه والا

۸۲	دُم بریده.....
۸۲	جیگر.....
۸۳	بد و بدتر.....
۸۳	جراح ماهر.....
۸۴	تسلیت ناپذیر.....
۸۴	آخرین دلیل.....
۸۵	مدل نقاشی.....
۸۵	سوسک خورده.....
۸۶	وسط حرف.....
۸۶	نوار مغز.....
۸۶	تعارف.....
۸۷	جوان صبور.....
۸۷	هدیه تولد.....
۸۷	مادر بچه ها.....
۸۸	مزدگانی.....
۸۸	آرزوی مستجاب.....
۸۹	بزرگشتی.....
۸۹	عیب مختصر.....
۹۰	بلای فراموشی.....
۹۰	لیست گدایان.....
۹۱	زن و ازدها.....

۹۱	جنس‌کت.....
۹۲	کیک آتشین.....
۹۲	افسردگی ماری.....
۹۲	بچه فیل.....
۹۳	شعر تگری.....
۹۳	تبرئه.....
۹۳	پیامبر خوش ذوق.....
۹۴	علت دستگیر.....
۹۴	کار و کاسبی.....
۹۴	اعجاز خربزه.....
۹۵	دزخ خوان‌ها.....
۹۵	رفته هستم.....
۹۵	کارنامه.....
۹۶	پوشش کلفت.....
۹۶	افسانه آفرینش.....
۹۶	درگیری.....
۹۷	نام زن ابلیس.....
۹۷	زیر صفر.....
۹۸	زن با وفا.....
۹۸	پیام‌گیر.....
۹۸	بیمه عمر.....

زهرمار.....	۹۹
خرج نهایی.....	۹۹
قاطر قیمتی.....	۹۹
گل.....	۱۰۰
فضولی.....	۱۰۰
قسم به کاپشن.....	۱۰۰
کُرکری.....	۱۰۱
تحریم.....	۱۰۱
کت ایدزی.....	۱۰۱
تقسیم کار.....	۱۰۲
شیر یا خط.....	۱۰۲
مُسابقه کشتی.....	۱۰۲
خواب نیمه صادق.....	۱۰۳
میل مبارک.....	۱۰۳
خیساندن.....	۱۰۳
مُسافرت هوایی.....	۱۰۴
نویسندگی.....	۱۰۴
حساب بانکی.....	۱۰۴
سال سیزده ماهه.....	۱۰۵
نوشابه گرم.....	۱۰۵
رحمت نکشید.....	۱۰۵

۱۰۶	همیشه خوش.....
۱۰۶	علاج کار.....
۱۰۶	توله سگ.....
۱۰۶	جُرثومه.....
۱۰۷	اختلاف نظر.....
۱۰۷	پاشیدن.....
۱۰۷	دهانی بر مُشت.....
۱۰۷	افتضاح.....
۱۰۸	پدر شکرگزار.....
۱۰۸	بادآورده.....
۱۰۹	باغبان السلطان.....
۱۰۹	هندی‌تر.....
۱۱۰	دندان‌فیل.....
۱۱۰	عشق انگلیسی.....
۱۱۱	جابجایی خطرناک.....
۱۱۱	آرایش‌الاغ.....
۱۱۲	فرصت.....
۱۱۲	مرخصی.....

پیش گفتار

مقوله مطایبه، غزل، شوخی و مزاح یکی از نیازهای زندگی بشر است؛ به ویژه بشر، امری که درگیر مشکلات گوناگون و زندگی ماشینی است. افرادی که عیون و چهره‌ای گرفته دارند در ارتباط با دیگران و رفع نیازهایشان دچار مشکل می‌شوند. به قول شاعر:

نیست ایمن ز بلا هر که گره پیشانی است

سنگ بر سر خورد آن پسته که خندان نبود

مقوله مطایبه و مزاح نه تنها با اخلاق اسلامی منافاتی ندارد،

بلکه در روایات معتبر نیز مورد سفارش واقع شده است. پیامبر

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را شاد کند، مرا شاد

کرده است و کسی که مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.»

(اصول کافی ۲ / ۱۸۸). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: یعنی «محبوب‌ترین عمل نزد خدا، وارد کردن شادی در دل افراد مؤمن (و مسلمان) است». (محاسن ۲ / ۱۴۳)

بزرگان دین و معصومین علیهم السلام هر یک به اندازه کافی از روحیه ادخال سرور و شادی در قلب مؤمنان برخوردار بوده‌اند. البته مزاح‌هایشان با تقوا همراه بود؛ یعنی مثلاً مزاح را با دروغ، اذیت، توهین و ... مختلط نمی‌کردند. (پیامبر (ص): إِنِّي لَأَمْزُحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا، من شوخی می‌کنم ولی بجز حق نمی‌گویم.) به عنوان نمونه آورده‌اند: روزی صفیاء عنه پیامبر که پیرزنی بود ضمن صحبت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کرد که در حق او دعا فرماید تا آمرزیده شده و به بهشت برود. حضرت بلافاصله فرمود: «اصلاً پیرزن‌ها به بهشت نمی‌روند!» صفیاء که این جمله را شنید، نگران شد و گریه کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی کرده و فرمود: نگران نباش؛ منظورم این است که پیرزنان مؤمن، اول جوان شده، آنگاه به بهشت می‌روند. صفیاء آنگاه که این سخن را شنید، خوشحال شد. (زهرالربیع / ۷)

از نظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام چون انسان آن اندازه ثروت و دارایی ندارد که بدان وسیله مردم را از خود خوشنود و راضی

نگاه دارد؛ پس لازم است با چهره و برخوردی نیکو، آنان را از خود راضی بگرداند.

علمای بزرگ اسلام نیز پیرو سنت حسنه مطایبه، و مزاح بوده و لطایف بسیاری از آنان نقل شده است. (به عنوان نمونه ر.ک: صفحه ۲۷۲، لطیفه ۵۸۱).

نکته مهم این است که گوینده، لطیفه‌ای بگوید که به اصطلاح با هم بخندند نه با هم. ما در این مجموعه از آوردن لطیفه‌هایی که به قوم یا اسم خاصی اشاره می‌کند، خودداری کرده‌ایم. بعضی‌ها برای این که هرگز نه لطیفه را به قوم خاصی نسبت دهند، با آوردن کلماتی مانند کافرو... توبین‌آمیزترین لطایف را بیان می‌کنند؛ غافل از این که این عمل از فسادت کارشان نمی‌کاهد و تنها خود را گول می‌زنند و آنان نیز همچنان مشمول حکم حرمت غیبت هستند.

در خاتمه توجه خوانندگان گرامی را به نکاتی چند جلب می‌کنیم:

۱. لطایف قرآنی را در این مجموعه نیاورده‌ایم تا شأن و حرمت آن محفوظ بماند.

۲. واقعاً سعی ما بر آن بوده که لطایف خنده‌دار را در این

مجموعه بیاوریم؛ یعنی مجموعه حاضر دستاورد مطالعه صدها لطیفه بوده که آن را گلچین کرده و لطایف خنده‌دار را انتخاب نموده‌ایم و اگر در عین حال، با لطیفه‌های بی‌مزه‌ای هم در این مجموعه برخورد کردید، باور کنید که این گونه لطایف در برخی مواقع خنده‌دارتر از لطیفه‌های بامزه است. اگر این گونه لطیفه‌ها بعضی را به خنده نیاورد، یقیناً بعض دیگر را از خنده روده‌بر می‌کند؛ چون سلاقی مختلف است و طبایع متفاوت. (شوخی طبعی بفرماید اثر دوستی برای لطیفه خنک و بی‌مزه‌ای گفت و خنده‌دار نبود، با صدای بلند بخند؛ چون ممکن است بگمان کند که لطیفه را خوب فهمیده‌ای و دوباره برای تعریف کند. مگر نه این است که آدم کر، وقتی لطیفه‌ای برایش تعریف شود، دوبار می‌خندد و بار دوم موقعی است که لطیفه را می‌فهمد و از آن، خنده‌اش می‌گیرد.)

۳. اصولاً مسخره کردن مردم، کاری جاهلانه است؛ همان گونه که این مطلب از آیه ۶۷ سوره مبارکه بقره بدست می‌آید. لذا لطیفه تعریف کردن، نباید به قصد تمسخر افراد و گروه‌ها باشد.
۴. لطایفی که به شخص خاصی کنایه نزده و مخاطبش گروه خاصی مانند پزشکان، قاضیان، مادرزن‌ها، پیرزنان، عروس و

دامادها و... است، ذکرش خالی از لطف نیست و اگر در این حد نیز از ذکر لطیفه خودداری شود، دایره لطیفه بسیار محدود می‌شود. ذکر این گونه لطایف به جهت ایجاد روحیه شادی در افراد است؛ علاوه بر این که رسالت طنز نیز این است که ناهنجاری‌های اجتماعی را در قالب لطیفه بیان نماید؛ زیرا در برخی از موارد، نویسندگان و گویندگان یک رشته مطالب انتقادی و پندها را اندر زها را در قالب لطیفه ریخته و جامعه طنز بر آن می‌پوشانند تا از انتقاد و تلخی پند و نصیحت بکاهند و به قول شیخ اجل سعدی: «آری تلخ نصیحت، به شهید ظرافت برآمیزند و چراغی تابان از معنی و حقیقت، فرا راه مردمان بدارند». به بیان دیگر می‌توان گفت که طنز عالم خود یکی از شیوه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به تمام آنچه عرض شد، در عین حال اگر عده‌ای از گروه‌های مذکور به خاطر کمی ظرفیت یا به هر دلیل دیگر از این گونه لطایف رنجیده شوند، همین جا از آنان عذر خواسته و دوام توفیقاتشان را از درگاه خداوند بخشایشگر خواستاریم.

۵. برای این که به اسامی توهین نشده و صاحبان اسامی نیز ناراحت نشوند، در لطیفه‌ها از عناوین کلی استفاده کرده و نام

خاصی را نبرده‌ایم؛ مثلاً به جای اسم سعید از واژه‌هایی مانند «مردی»، «شوهری»، «شاگردی»، «محصلی»، «شخصی»، «پسری»، «مردی»، «دانش‌آموزی» و... استفاده کرده‌ایم.

در پایان لازم به ذکر است که اگر در برخی از لطیفه‌ها احساس شود که به طور ناخواسته به فرد یا گروهی توهین شده، در همین جا معذرت خواهی خود را اعلام می‌کنم و یقین بدانند که عمدی در کار نبوده است، یعنی هدف، توهین نبوده است. خداوند همه را مورد لطف و بخشش خود قرار دهد.

امیدواریم همیشه چهره‌ی خرم و خندان داشته باشید.

والسلام

قم مقدّس، بهمن ۱۳۸۹

انتشارات نیلوفراند